



فصلنامه اقتصاد کاربردی
دوره ۱۲، شماره ۴۳، زمستان ۱۴۰۱

رابطه سهم بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات

وحید فغانی زاده^۱، فرید عسکری^{۲*}، بامداد پرتوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

DOI: 10.30495/JAE.2022.67585.1424

چکیده:

هدف مطالعه حاضر، بررسی رابطه سهم بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات بوده است. این مطالعه، از حیث نوع تحقیق؛ همبستگی از نوع مقطعی بوده و از حیث هدف کاربردی محسوب می شود. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهاردار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان ۱۳۹۸ بود که تعداد ۱۱۱ شرکت به روش حذف سیستماتیک، به عنوان نمونه انتخاب شدند. در آمار توصیفی، پارامترهای جامعه شامل شاخص های مرکزی و پراکنندگی جامعه سنجیده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش رگرسیون مبتنی بر داده های ترکیبی و آزمون های هاسمن، F (لیمر)، توسط نرم افزار ایویوز انجام شد. یافته های حاصل نشان دهنده آن بودند که بین سهم بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین، بهتر است سازمان تأمین اجتماعی نرخ حق بیمه را با توجه به شرایط تورمی و درآمد نیروی کار در نظر بگیرد تا از صنایع بابت جذب نیروی کار حمایت شود و بالا بودن نرخ حق بیمه باعث نشود که مدیران شرکت ها به سمت افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات سوق پیدا کنند.

کلمات کلیدی: نرخ بیمه، سهم بیمه کارفرما، نرخ تورم، بهای تمام شده کالا و خدمات.

طبقه بندی JEL: D01، E42، J30، A10

^۱ دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. ایمیل: faghanizade.vahid1400@gmail.com

^۲ استادیار، گروه اقتصاد، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: farid.asgari1401@vatanmail.ir

^۳ استادیار، گروه اقتصاد، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. ایمیل: bamdad.pr@gmail.com

مقدمه

در ادبیات اقتصادی، اقتصاد ملی مجموعه‌ای از بازارها است که در یک تقسیم‌بندی کلی شامل چهار بازار مهم کالا و خدمات، کار، پول و سرمایه می‌شود و تعادل در سطح هر اقتصادی منوط به تعادل در تمام این بازارهاست، ضمن آنکه هرگونه عدم تعادل در هر بازار، منجر به عدم تعادل در بازار دیگر می‌شود؛ اما در این میان، بازار کار از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا از جنبه انسانی، تعاملات بازار کار در مقایسه با سایر بازارها به طور مستقیم بر نیروی کار تأثیر می‌گذارد و بیشترین تأثیر را علاوه بر جنبه‌های اقتصادی بر جنبه‌های اجتماعی نیز دارد؛ همچنین در چارچوب نظریه‌های اقتصادی، بازار کار نقشی بسیار کلیدی در حفظ تعادل و رشد هر نظام اقتصادی بر عهده دارد. از یک سو، نیروی کار در بازار به عنوان یکی از عوامل تولید و به عبارتی، مهم‌ترین عامل تولید نقش بسیار مهمی در فرآیند تولید بر عهده دارد و از سوی دیگر، ضمن آنکه تأثیرات مهمی بر بازار پول و سرمایه بر جای می‌گذارد، بزرگ‌ترین تقاضاکننده در بازار است. از این رو، بازار کار به سبب وجود نیروی انسانی با کارکردهای فوق از سایر بازارها متمایز می‌باشد (کمالی دهکردی و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی دیگر، موجودی شرکت‌ها یکی دیگر از عوامل حساس و مهم در زمینه پیشبرد اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شرکت‌ها هستند. در بسیاری از شرکت‌ها، موجودی مواد و کالا، یکی از اقلام مهمی است که بر صورت سود و زیان (بهای تمام شده فروش) و ترازنامه مؤثر است. موجودی مواد و کالا در ترازنامه با انعکاس در دارایی‌های جاری و سپس در گردش، به نوعی نماد توان مالی در کوتاه‌مدت است. پس از فروش کالای خریداری شده یا ساخته شده، بهای تمام شده موجودی‌ها به عنوان یک هزینه در صورت سود و زیان از درآمد فروش کسر می‌شود. تفاوت درآمد فروش و بهای تمام شده فروش، سود ناخالص است که بیانگر حاشیه سودی است که از فروش به دست می‌آید (محمدپور و نوری، ۱۳۹۹).

فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان در دو بخش مالی و واقعی بررسی نمود. بازارهای مالی از طریق تأمین سرمایه کوتاه‌مدت و ایجاد اطمینان، بخش واقعی اقتصاد را حمایت می‌کنند. سرمایه‌های کوتاه‌مدت در بازار پول و عمدتاً از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی تأمین می‌شوند و سرمایه‌های

بلندمدت؛ غالباً در بازار بورس و اوراق بهادار داد و ستد می‌شوند. ایجاد اطمینان نیز بر عهده صنعت بیمه است (سیدزاده، مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۹۸). صنعت بیمه هر کشوری به عنوان ستون فقرات سیستم مدیریت ریسک مالی عمل می‌کند (Roy and Roy, 2020). بیمه به سرعت در حال تبدیل شدن به یک عنصر ضروری در بخش مالی است که به طور قابل توجهی به رشد اقتصادی کمک می‌کند (Gaganis et al, 2019). در طول دهه گذشته، بحث درباره فعالیت‌های مالی و رشد اقتصادی بیشتر و شدیدتر شده است. با این حال، تأثیر فعالیت بیمه بر رشد اقتصادی به اندازه نقش بخش بانکی مورد توجه قرار نگرفته است (Hemrit and Benlagna, 2019). یکی از اهداف اصلی بیمه، سالم نگه داشتن چرخه اقتصادی جامعه از طریق حفظ سرمایه‌های ملی و ایجاد محیطی مطمئن برای افراد جامعه است که در واقع، پاسخی است به اصلی‌ترین نیاز بیمه‌گذاران، یعنی امنیت در قبال خطراتی که جان و مال آنها را تهدید می‌کند (راغفر و همکاران، ۱۳۹۷). صنعت بیمه‌ای که خوب توسعه یافته و تکامل یافته باشد یک داروی مناسب برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود زیرا بودجه‌های بلندمدت را برای توسعه فراهم می‌کند. هدف اصلی بیمه؛ جدا از کارکرد اساسی آن، تقویت توسعه ملی از طریق ایجاد ثروت، حفاظت و حفظ ثروت مؤثر است. طبق گفته زین^۱ (۲۰۰۷)، اهمیت بیمه برای اقتصاد هر کشوری را نمی‌توان تحلیل کرد. از نظر ایشان، هیچ کشوری بدون صنعت بیمه نمی‌تواند توسعه معناداری را تجربه کند؛ در نتیجه تجارت بیمه در هر کشوری را بدون توجه به سهمیه تولید ناخالص داخلی یا سطح آگاهی مردم، ضروری می‌کند (Okeke and Orga, 2020). صنعت بیمه، در هنگام فشارهای اقتصادی، با کمک به شرکت‌ها و خانوارها در مدیریت ریسک و کاهش هزینه‌ها در برابر خسارات، نقشی محوری ایفا می‌کند. با این حال، صنعت بیمه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های سرمایه‌گذاران، نسبت به بی‌ثباتی در بازارهای مالی آسیب پذیر است. بازارهای مالی بی‌ثبات و رکود اقتصاد جهانی به دلایل وجود شرکت‌های بزرگ اوراق بهادار، درآمد ثابت و به تبع آن مواجهه با تغییرات نرخ بهره، تأثیر نسبتاً زیادی بر بیمه‌گران داشته است. رکود اقتصاد جهانی که به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است، ممکن است از چند

دارای جنبه اجتماعی بوده و بنابراین، شاید مجزا نمودن رشته و یا رشته‌های معینی از بیمه‌ها و طبقه‌بندی آنها تحت عنوان بیمه‌های اجتماعی اقدامی غیراصولی تلقی شود. اما باید توجه داشت بیشتر اصلاحاتی که امروزه در امر بیمه معمول و متداول است هر یک دارای معانی و مفاهیمی خاص هستند (Papis-Almansa, 2017). امروزه، تأمین اجتماعی مهم‌ترین عامل ایجاد و تقویت آرامش حاکم بر محیط کسب و کار اقتصادی است و شاید اغراق نباشد که این مقوله را مهم‌ترین عامل تقویت آرامش در کل جامعه تلقی کنیم. تجربه کشورهای توسعه یافته نیز مؤید نقش تأثیرگذار تأمین اجتماعی در پیشرفت آن کشورهاست. عملکرد نرخ بیمه در بازار کار دارای کارکرد دوگانه می‌باشد به این معنی که به صورت بالقوه می‌تواند موجبات کاهش تقاضای نیروی کار را به لحاظ افزایش هزینه‌های تولیدی فراهم سازد و منجر به استفاده کارفرمایان از روش‌های سرمایه‌بر گردد. از طرف دیگر به لحاظ اینکه خدمات رفاهی و تأمین ارائه شده از سوی بیمه‌های اجتماعی به واسطه پرداخت حق بیمه موجبات تبدیل بازوی انسانی به سرمایه انسانی را که از بهره‌وری و کارآمدی بیشتری برخوردار می‌باشد و خود را به بنگاه و سودآوری بنگاه متعهد می‌داند را فراهم می‌سازد، دارای اثرات مثبت در جهت افزایش تقاضای نیروی کار خواهد بود و بدین سبب منجر به شکل‌گیری آثار پیش برنده‌ای در زمینه اشتغال و افزایش خواهد داشت (Gupta et al, 2020). از طرفی، سازمان‌ها و مدیران اغلب اوقات علاقه‌مند و نگران هزینه‌ها هستند. کنترل هزینه‌های گذشته، حال و آینده بخشی از وظیفه همه مدیران در یک شرکت است. در شرکت‌هایی که سعی می‌کنند، سوددهی داشته باشند، کنترل هزینه‌ها به طور مستقیم تأثیرگذار است. داشتن هزینه‌های محصولات برای تصمیم‌گیری در مورد قیمت و ترکیب تخصیص محصولات و خدمات ضروری است. یکی از مهم‌ترین هزینه‌هایی که کمتر در تحقیقات قبلی مورد توجه محققان قرار گرفته اما بخش زیادی از حقوق و دستمزد شرکت‌ها را شامل می‌شود، بیمه‌ای است که کارفرما به عنوان سهم خود موظف است هر ماهه به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز نماید. طبق قوانین کار در کشور، هر کارفرما که از نیروی انسانی استفاده می‌نماید موظف است وی را نزد سازمان تأمین اجتماعی تحت پوشش بیمه قرار داده و هر ماهه

طریق بر صنعت بیمه تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، این موارد عبارتند از: تقاضای پایین‌تر برای خدمات بیمه، صرف‌نظر کردن از بیمه عمر و قطع عملکرد عادی و نرمال. این در بحران بیماری همه‌گیر کووید ۱۹۲ نیز صادق می‌باشد (Worku and Mersha, 2020).

با توجه به اینکه امروزه اهمیت سرمایه انسانی نسبت به سایر عوامل تولید برای بنگاه‌ها و کارفرمایان محرز گردیده، ضروری است با انجام سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی موجبات افزایش کارایی وی را فراهم آورد. در واقع، این رویکرد باعث بروز توانایی‌ها، مهارت‌ها و خلاقیت نیروی کار می‌گردد و این مسئله افزایش بهره‌وری آنها را به دنبال دارد که می‌تواند منجر به افزایش تولید بنگاه گردد و حتی در برخی موارد منجر به افزایش تقاضای نیروی کار و افزایش اشتغال نیز گردد. از این‌رو، با توجه به اهمیتی که صنعت بیمه و بورس اوراق بهادار در توسعه اقتصادی هر کشور دارند و با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی رابطه سهم بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات در شرکت‌های ارائه شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام نشده در پژوهش حاضر بر آن شدیم تا به بررسی این موضوع بپردازیم. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که آیا سهم بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات ارتباط معناداری دارد؟ در این راستا، مطالب این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه؛ در بخش دوم، چارچوب نظری پژوهش ارائه گردیده و در بخش سوم، پیشینه پژوهش مرور می‌گردد. ارائه روش پژوهش و نحوه گردآوری اطلاعات از مطالب بخش چهارم محسوب شده و در بخش پنجم به بحث پیرامون یافته‌های پژوهش اختصاص یافته و در نهایت، بخش پایانی از مطالب ارائه شده جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

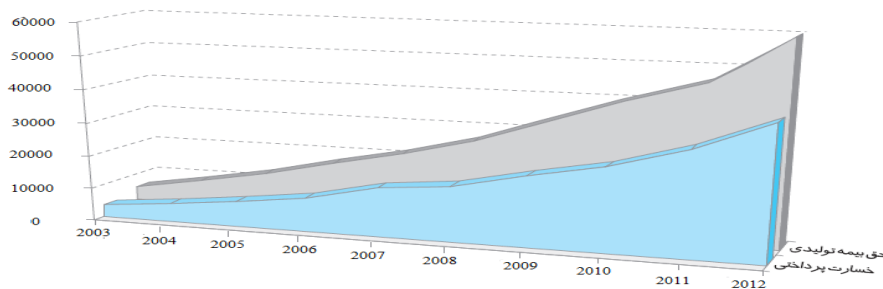
مبانی نظری پژوهش

بیمه تأمین اجتماعی

بیمه به مفهوم عام آن تدبیری است که به وسیله آن فرد یا گروهی از افراد با قبول سهم منصفانه‌ای از خسارات سایرین، ضررهای کلی و محتمل‌الوقوع وارده بر خود را جبران و در مقابل بروز خطرات برای خود تأمین مالی لازم و کافی را فراهم می‌کنند. بدین لحاظ، تمامی انواع بیمه‌ها

ریسک‌هایی که شرکت‌های بیمه را تهدید می‌کند عبارت‌اند از: کیفیت مؤسسات^۳، مقررات^۴ و رقابت^۵ گاگانیس و همکاران معتقدند که فرهنگ نیز می‌تواند از جمله عواملی باشد که می‌تواند سبب خطرپذیری صنعت بیمه گردد (Gaganis et al, 2019). تأمین اجتماعی به پیش‌بینی و تدارک تکالیف دولت برای حمایت از مردم در حوزه‌های مسکن، بیماری و معلولیت و حمایت‌های اجتماعی ناشی از آن براساس اصول و قوانین مربوط اطلاق می‌گردد (خالق‌پرست و همکاران، ۱۳۹۶). در یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مجموعه‌ای از راهبردها، برنامه‌ها و فعالیت‌های جامعه برای حفظ و سطح درآمد فرد یا خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد و فرد و خانواده در برابر معضلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از قطع یا کاهش درآمد تضمین می‌شوند. همچنین، از طرفی، تلاش به منظور حمایت مؤثر از نیروی کار، از ویژگی‌های اقتصادهای مدرن محسوب می‌شود (داودی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از اهداف سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، بهبود رفاه انسان و برآورده کردن نیازهای وی در زمینه آموزش، بهداشت، مسکن و تأمین اجتماعی است. تأمین اجتماعی که یکی از مراکز بسیار مهم در سیاست‌گذاری اجتماعی است، در ایران بیمه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی را شامل می‌شود (فرضی‌زاده، ۱۳۹۷). نمودار حق بیمه تولیدی و خسارت پرداختی در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است

نمودار ۱- حق بیمه تولیدی و خسارت پرداختی / میلیارد ریال (ایزدی، ۱۳۹۷).



قرار گرفته است. به موجب بند یک این ماده، حق بیمه از اول مهرماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان ۲۸ درصد مزد یا حقوق است که ۷ درصد آن بر عهده کارگر، ۳ درصد آن به وسیله دولت و بقیه توسط کارفرما تأمین می‌شود. همچنین، براساس تبصره یک همین ماده، از اول سال ۱۳۵۵ سهم بیمه کارفرما، ۲۰ درصد مزد یا حقوق بیمه‌شده می‌باشد و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت، کل حق بیمه به ۳۰

مبلغی را که بخشی از آن سهم کارفرما و بخشی سهم کارگر است، به حساب آن سازمان واریز نماید (Gidey et al, 2019).

نرخ حق بیمه

بیمه نقش مهم و حساسی در رشد و توسعه اقتصادی به خصوص در کشورهای در حال توسعه دارد. توجه به جایگاه و عوامل مؤثر بر آن و همچنین، تأثیر انواع سیاست‌های اتخاذ شده در این بخش اثرات قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد کشور خواهد داشت. بازارهای مالی، نقش اساسی و کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی دارند و صنعت بیمه که یک نهاد مالی است می‌تواند بسترساز رشد اقتصادی باشد. صنعت بیمه ایران با سهم ۰/۰۹ درصدی از کل حق بیمه‌های تولیدی جهان، چهل و ششمین صنعت بیمه دنیا به شمار می‌رود. حال آنکه رتبه کشور هم‌جوار ترکیه در این زمینه ۳۴ می‌باشد. سرانه حق بیمه در ایران ۵۰ دلار در برابر رقم سرانه جهان که ۶۰۸ دلار است که از کشورهایی چون ترکیه، عربستان، کویت، قطر و امارات فاصله دارد و رتبه ایران در این زمینه در سطح ۷۶ است (قزلباش و همکاران، ۱۳۹۸). کاهش میزان حق بیمه، نسبت به افزایش آن، انگیزه برای پس‌انداز را در بین جوانان افزایش می‌دهد و بدین ترتیب، سرعت انباشت سرمایه در اقتصاد افزایش می‌یابد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۹). برخی

حق بیمه‌های فراوانی که هر سال بیمه‌گذاران به شرکت‌های بیمه می‌پردازند، علاوه بر پرداخت خسارت‌ها به صورت نقدی و در حساب‌های بانکی نگهداری می‌شود و بخشی صرف هزینه‌های اجرایی و اداری (حقوق، دستمزد، کارمزد، تبلیغات، ملزومات، آموزش و بازاریابی و غیره) خواهد شد (ایزدی، ۱۳۹۷). در ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، نرخ حق بیمه به صورت درصدی مشخصی مورد تصریح

درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن مواد ۲۸ و ۲ بند ۵ قانون تأمین اجتماعی، هم نرخ حق بیمه و هم مأخذ آن که عبارت از کل مزد یا حقوق بیمه شده می‌باشد، مشخص شده است. بعلاوه، قانون‌گذار به منظور شفافیت هر چه بیشتر، مزد یا حقوق را شامل هرگونه وجوه و مزایای نقدی یا غیر نقدی مستمر دانسته است که در مقابل کار به بیمه شده داده می‌شود. سه روش برای تعیین میزان حق بیمه عبارت‌اند از: ۱- براساس مزد یا حقوق واقعی بیمه‌شده که از سوی کارفرما اعلام می‌شود. ۲- محاسبه میزان حق بیمه براساس دستمزد مقطوعی است که در برخی مشاغل میزان آن از سوی شورای عالی تأمین اجتماعی اعلام می‌شود. ۳- روش سوم برگرفته از ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی است که در موارد خاص که برخی داده‌ها نامعلوم می‌باشند، به هیئت‌مدیره سازمان اختیار داده شده است تا نسبت مزد را به کل کار تعیین کرده و حق بیمه متعلق را بر همان اساس محاسبه و مطالبه نماید (طوسی و کاشانی، ۱۳۹۶).

نرخ تورم و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی

چیچی و هرمن^۶ (۲۰۰۲)، اظهار داشتند که عوامل اقتصادی تأثیر بسزایی در رشد شرکت‌های بیمه دارند. اغلب این‌گونه استدلال می‌شود که عملکرد مالی توسط برخی متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بهره، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بیکاری، عرضه پول، بازار سهام، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) تعیین می‌شود که به شدت توسط دولت، شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان نظارت می‌شود (Okeke and Orga, 2020). در اقتصاد پولی، خطر تورم مهم‌ترین ریسک اقتصادی است که مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران با آن روبه‌رو هستند. هر مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار باید امنیت آینده وضعیت مالی خود را تضمین کند. بر اساس تحقیقات پیروبو و ژنگ (۲۰۱۲) و نیز کواک و لیم (۲۰۱۴)، تورم تأثیر قابل‌توجهی بر سرمایه‌گذاران دارد. در این ارتباط، اگر تورم بسیار بیشتر از حصول سرمایه‌گذاری باشد، سرمایه‌گذاری لغو می‌شود و بالعکس (Vita Ferezagia, 2018). تورم، تغییرات نسبی قیمت کالاها را اندازه‌گیری می‌کند و از هر طریقی بر روی مصرف‌کننده، کسبه و سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد. این یک شاخص اقتصادی است که تأثیر مستقیمی

بر وضعیت اقتصاد دارد؛ همان‌طور که بر نرخ بهره، قیمت مصرف‌کننده، بازارهای مالی از جمله سهام، اوراق قرضه و ارز تأثیر دارد. تورم، اثربخشی سیاست اقتصادی دولت را اندازه‌گیری می‌کند و از این‌رو، به عنوان راهنمای تغییرات قیمت در اقتصاد کشور عمل می‌کند، زیرا در بیشتر کشورها بانک مرکزی برای دستیابی به قیمت‌های ثابت نرخ بهره را در نظر می‌گیرد (Christopher Dzipire, 2020, Quoted from Abdurehman and Hacilar Quoted from). تورم، یک متغیر اصلی در اقتصاد کلان است. نرخ تورم، تأثیرات و پیامدهای آن و سازوکارهای کنترلی آن همیشه به عنوان یکی از نگرانی‌های اساسی دولت‌ها در همه جای دنیا در نظر گرفته می‌شود. به طور کلی، وضعیتی که در آن سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و نامناسب در حال افزایش است در شرایط تورمی است؛ بنابراین، اگر چه اصطلاح تورم مترادف با افزایش عمومی قیمت‌ها است، اما هرگونه افزایش قیمتی تورم نیست و باید دو عنصر زمان و نرخ رشد قیمت‌ها وجود داشته باشد. گاهی به یک افزایش جزئی در سطح عمومی قیمت‌ها «تورم خزنده»^۸ و یک افزایش بزرگ و یک جهش به جلو «تورم سریع»^۹ گفته می‌شود (Sharif et al, 2018). در خصوص تورم در ایران، مطالعات متعددی صورت گرفته است. برخی فشار هزینه، برخی بازارهای کالا و سرمایه و برخی عوامل ساختاری مانند بخش تولید، کسری ساختار تراز بازرگانی، کسری ساختار بودجه دولت، رشد نامتوازن بخش‌های اقتصادی و تنگناها و حفره‌های خفقیانی بخش‌های مختلف اقتصاد، رشد نرخ ارز، شکاف تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر حقیقی را منشأ اصلی بروز تورم در اقتصاد ایران معرفی نموده‌اند (عظیمی، میری طامه و همکاران، ۱۳۹۲). تورم در اصطلاح، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به شکل مستمر و بی‌رویه است. تورم عبارت از افزایش بی‌رویه، بی‌تناسب و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و به زیان دستمزد بگیران است؛ ولی به دریافت‌کنندگان سود، منفعت می‌رساند. تورم؛ گونه‌ای از مالیات است که مقامات مالیاتی قدرت کنترلش را ندارند و مانند هر نوع مالیات دیگری، سیاست‌های فردی و تجاری را تعیین می‌کند که همه مجبور به پیروی از آن هستند. غالباً، بورس‌بازی را سودآورتر از تولید می‌کند، جلوی دوراندیشی را می‌گیرد، بافت روابط پایدار اقتصادی را تکه تکه می‌کند و

باشند. تورم؛ تنها ثروت مردم را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه نگرش آنها به دنیا را تغییر می‌دهد و در نهایت، حتی بر درک آنها از واقعیت تأثیر می‌گذارد (افراسیابی و بهارلویی، ۱۳۹۹). تأثیرات تورم بر متغیرهای کلان در اقتصاد به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد:

بی‌عدالتی‌های آن انسان‌ها را به سوی راه‌حل‌های نومیدانه می‌راند. تورم موجب تغییر در قشربندی اجتماعی می‌شود، بر زندگی طبقات مختلف؛ به ویژه طبقات متوسط و فقیر تأثیر می‌گذارد. فقرا سقوط می‌کنند؛ زیرا خانواده‌های فقیر به درآمد و دستمزد خود وابستگی بیشتری دارند و بعید به نظر می‌رسد دارایی مالی جالب‌توجهی به جز دستمزد خود داشته

جدول ۱- تأثیرات تورم بر متغیرهای کلان در اقتصاد (شهیکی تاش، مولایی و حلاج‌زاده، ۱۳۹۹).

ردیف	اثرات تورم	توضیحات
۱	تورم و پس‌انداز	تأثیر تورم بر پس‌انداز تأثیر معکوسی است و با کاهش پس‌انداز، آهنگ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.
۲	تورم و مصرف	در زمان تورم خرید و فروش حالت غیرمنطقی به خود می‌گیرد. به دلیل تصور افزایش قیمت‌ها در آینده، پول نقش و اهمیت خود را از دست می‌دهد و تب خرید بالا می‌رود. در شرایط تورم، تمامی مردم تمایل به وام گرفتن دارند.
۳	اثر تورم بر تولید و سرمایه‌گذاری	در اثر تورم، فشاری که کارفرمایان برای تأمین هزینه‌های جاری و انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری متحمل شده‌اند، کاهش می‌یابد و ارزش حقیقی آنها تنزیل یافته، این امر موجب افزایش سود کارفرمایان شده، تمایل به سرمایه‌گذاری و افزایش تولید بالا می‌رود. در حالت تورمی، بیشتر سرمایه‌گذاران معطوف به فعالیت‌هایی می‌شوند که تقاضا برای آنها به سرعت در حال افزایش است. از این رو، بسیار محتمل است سرمایه‌گذاری‌هایی انجام گیرد که از نظر اقتصاد ملی مطلوب نبوده و اثرات تشدیدکننده‌ای در توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت داشته باشد. از آنجاکه در اقتصاد تورمی، قیمت‌ها مدام رو به صعود است، اثر نرخ بهره بر میزان سرمایه‌گذاری از بین می‌رود. بدین ترتیب، یکی از اهرم‌های توزیع سرمایه در شاخه‌های متفاوت تولید، بی‌اثر می‌گردد؛ یعنی مقایسه نرخ بهره با نرخ سود در یک‌رشته خاص و احتساب تفاوت آن به‌عنوان نرخ سود خالص و معیار سرمایه‌گذاری بی‌معنی می‌شود.
۴	اثر تورم بر تراز پرداخت‌ها	نحوه اثر تورم بر تراز پرداخت‌ها، بستگی به شدت افزایش سطح عمومی قیمت‌های داخلی در مقابل نرخ ارز دارد. اگر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در داخل نسبت به افزایش نرخ شدیدتر باشد، باعث کاهش صادرات و افزایش واردات می‌گردد؛ ولی اگر نرخ ارز به میزان بیشتری افزایش یابد، باعث افزایش صادرات و اثر مثبت بر تراز پرداخت‌ها می‌گردد. بالا رفتن مدام سطح قیمت‌ها و کالا و خدمات داخلی، قدرت رقابت آنها را در مقابل کالاهای خارجی سلب خواهند نمود.
۵	سرعت گردش پول و اثر تورم بر آن	در دوره‌های تورم با ثبات سایر شرایط، به دلیل کاهش سریع ارزش پول، پول کمتری نگهداری می‌شود؛ در نتیجه سرعت گردش پول افزایش می‌یابد. برعکس، در دوره‌های رکود با کاهش قیمت‌ها، سرعت گردش پول کاهش می‌یابد.

مستقیم به تولید محصولات مربوط هستند و در این فرایند، هزینه‌های غیرمستقیم مانند هزینه‌های توزیع، فروش و بازاریابی مدنظر قرار نمی‌گیرد (بکتاش و همکاران، ۱۳۹۹). در مطالعه علمشاه، بین بهای تمام شده واقعی خدمات و تعرفه‌های مصوب تفاوت وجود داشت؛ در نتیجه بهتر است برای قیمت‌گذاری صحیح‌تر خدمات از روش‌های دقیق محاسبه هزینه‌ها مانند روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا استفاده شود. یکی از نظام‌های نوین هزینه‌یابی که کاربردهای گوناگون در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی داشته و روزبه‌روز در حال

بهای تمام‌شده کالا و خدمات

دلیل استفاده از سیستم بهای تمام‌شده، دستیابی به اطلاعات مفیدی جهت تصمیم‌گیری است. هزینه‌های مستقیم مربوط به تولید کالاهای فروخته شده توسط یک شرکت، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته است. این مقدار شامل: هزینه مواد مصرفی در تولید کالا و هزینه‌های مستقیم نیروی کار مورد استفاده در تولید آن می‌باشد. در واقع، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته؛ هزینه ایجاد محصولاتی است که یک شرکت به فروش می‌رساند؛ بنابراین تنها هزینه‌هایی لحاظ می‌شوند که به صورت

گسترش است، روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت^{۱۰} است (علی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). تفکر ایجاد ارتباط بین هزینه‌ها و فعالیت‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ در آثار برخی از نویسندگان از جمله کوپر و کاپلان (۱۹۸۸) ارائه گردید که دیدگاه‌های کوپر و کاپلان نسبت به دیگران تأثیر بسزایی در انعکاس نارسایی‌های سیستم‌های حسابداری سنتی داشت (افضلی، ۱۳۹۱). روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، می‌تواند با شناسایی و تخصیص دقیق هزینه‌ها به فعالیت‌ها، ضمن محاسبه صحیح بهای تمام‌شده، اطلاعات مفیدی را برای تصمیم‌گیرندگان فراهم کند. در واقع، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت شیوه‌ای است که براساس آن هزینه خدمات یا محصولات به عنوان جمع هزینه فعالیت‌هایی که به خاطر ارائه آنها انجام می‌شود به دست می‌آید (رجبی، ۱۳۹۰).

تورم و بهای تمام‌شده کالا و خدمات

اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته همواره در معرض نرخ تورم بالا بوده است، اما علی‌رغم کاهش نسبی تورم در سال‌های منتهی به ۱۳۸۹ پس از اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و نیز گسترش بی‌سابقه تحریم‌های بین‌المللی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، کمبود منابع ارزی ناشی از اعمال محدودیت‌های مالی و مبادلاتی اعمال شده بر کشور و رشد قابل ملاحظه نرخ ارز و به تبع آن افزایش هزینه تمام شده تولید در کشور، نرخ تورم مجدداً افزایش یافته است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲). نظام قیمت‌گذاری یکی از موضوعات اساسی در پیکره اقتصادی یک کشور می‌باشد؛ چرا که هر گونه برخورد ناصحیح و سطحی با آنچه در قلمرو نظری و چه در قلمرو کاربردی به نتایج زبان‌بار و جبران‌ناپذیری منجر خواهد. در همین راستا، فریدمن^{۱۱} (۱۹۹۰) اهمیت درک تئوری قیمت را در دو دلیل اصلی عنوان می‌دارد: اول دلیل آن است که تئوری قیمت آشکار می‌سازد که جامعه و محیط اطراف چگونه رفتار می‌کند و در دومین دلیل تأکید می‌کند که عدم شناخت تئوری قیمت ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی می‌باشد. براساس تئوری تعادل بهینه پارتو، چنین استنباط می‌شود که در حقیقت این قیمت‌ها هستند که منابع را به سمت تولیداتی هدایت می‌نمایند که از یک‌سو برای مصرف‌کننده ایجاد مطلوبیت می‌کند و

از سوی دیگر، برای تولیدکننده ایجاد سود و درآمد می‌نماید (هرورانی و عربی، ۱۳۹۸). تعیین عوامل تشکیل دهنده بهای تمام شده محصول به نوع سازمان و فعالیت او بستگی دارد. مؤسسات مالی نیز مانند هر بنگاه اقتصادی دیگر، علاوه بر خدمات‌دهی دنبال سوددهی و افزایش ثروت مالکان هستند. لذا، ماهیت فعالیت‌های مؤسسات مالی، این‌گونه مؤسسات را در مدیریت صحیح سپرده‌ها که مهم‌ترین منابع مالی هستند جدی‌تر می‌نماید. با افزایش تورم، هزینه‌های عملیاتی و غیرعملیاتی مؤسسات مالی هم‌زمان افزایش می‌یابد. زمانی که نرخ سود کمتر از نرخ تورم باشد، سپرده‌گذاران تمایلی به سپرده‌گذاری در مؤسسات مالی ندارند، چراکه تورم موجب کاهش قدرت خرید آنان شده و ارزش پول را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، تورم به طور مستقل در افزایش یا کاهش حجم منابع مالی تأثیر چندانی نداشته و تنها منجر به تغییر ترکیب و سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری خواهد شد (مسعودیان و همکاران، ۱۳۹۸).

سهم بیمه کارفرما و بهای تمام‌شده کالا و خدمات

در ابتدای شکل‌گیری بیمه‌های اجتماعی در دنیا، تمامی منابع مورد نیاز از سوی کارفرما تأمین می‌شد (یکجانبه - مسئولیت کارفرما) بعدها با افزایش پوشش، خدمات اجتماعی و به منظور ایجاد همگرایی لازم در نیروی کار، تأمین منابع به صورت مشترک توسط کارفرما و کارگر صورت گرفت (دوجانبه بیمه‌های اجتماعی) (حیدری، ۱۳۸۴). بنابراین، بخشی از نرخ حق بیمه که به مثابه نوعی مالیات بر نیروی کار و یا مالیات بر دستمزد می‌باشد متوجه طرف عرضه بازار کار که همانا کارگران هستند می‌شود، لذا نیروی کار می‌بایست بخشی از دستمزد خود را بابت مالیات به مؤسسات بیمه‌های اجتماعی پرداخت نماید. بدین سبب، نرخ حق بیمه جهت طرف عرضه نیروی کار دارای کارکردی دوجوهی می‌باشد. از طرفی، به واسطه بعد هزینه‌ای، این متغیر نیروی کار به سبب کاهش دستمزد خالص دریافتی تمایلی به پرداخت آن را ندارد و آن را هزینه تلقی می‌کند ولیکن به سبب برخورداری از منافع عنوان شده به واسطه بیمه‌های اجتماعی از سویی تمایل به شرکت در این قرارداد سه‌جانبه را دارد. بنابراین، یک‌طرف این قرارداد

گردد (Palacios and Robalino, 2020). بعد دیگر اثرات نرخ حق بیمه به صورت نوعی سرمایه‌گذاری روی نیروی کار خود را نشان داده که موجبات افزایش تولید را فراهم می‌آورد و این مسئله از سوی کارفرمایان می‌تواند دال بر آثار پیش‌برنده نرخ حق بیمه بر اشتغال از سوی کارفرمایان به واسطه افزایش تقاضای نیروی کار باشد (Mieno, 2018). به مطالب فوق باید یک نکته مهم را نیز اضافه نمود و آن اینکه، به لحاظ کسر و پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی قبل از سود در بنگاه‌های تولیدی، این هزینه‌ها جزء هزینه‌های عملیاتی تولید محسوب می‌شود. به این معنی که در قالب قیمت تمام‌شده محصول تولیدی واحد اقتصادی از مصرف‌کننده دریافت می‌گردد. در حالی که دریافت مالیات و یا حق بیمه پس از سود در حکم برداشت از انباشت سرمایه کارفرما به عنوان بنگاه اقتصادی بوده و امکان ایجاد رانت را بالا می‌برد (Cruz-García et al, 2020).

بازار مالی و توسعه اقتصادی

توسعه بخش مالی یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصادی است. از نظر میشکین (۲۰۰۶) مؤسسه مالی مانند موتور و قلب است که سیستم را در تخصیص سرمایه در اقتصاد برای ساخت کارخانه‌ها، خانه‌ها و جاده‌ها هماهنگ می‌کند. چنانچه سرمایه به اشتباه تخصیص داده شود یا اصلاً جریان نداشته باشد، اقتصاد قادر به کارایی کارآمد نخواهد بود و منجر به رشد اقتصادی نمی‌شود. مطالعات ثابت کرده است که یکی از کانال‌های رشد اقتصادی از طریق توسعه بخش مالی است و این از طریق افزایش تقاضا برای خدمات مالی انجام می‌شود. لازم به ذکر است که توزیع درآمد زمانی بهبود می‌یابد که افراد کم‌درآمد به راحتی به منابع مالی دسترسی داشته باشند. مطالعات کینگ و لوین^{۱۲} (۱۹۹۶)، روسو و واتچل^{۱۳} (۲۰۰۰)، لوین و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۰)، بک و لوین^{۱۵} (۲۰۰۴)، اپرچیس و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۷)، کار و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که توسعه بخش مالی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد. توسعه بخش مالی (FSD^{۱۸}) یکی از استراتژی‌های بخش خصوصی برای تحریک رشد اقتصادی و کاهش فقر است. این مجموعه، مجموعه‌ای از مؤسسات، ابزارها و

کارگران و عرضه نیروی کار می‌باشد. مالیات بر دستمزد یا نرخ‌های حق بیمه از منظر کارفرمایان که طرف تقاضای بازار کار را تشکیل می‌دهند نیز دارای دو بعد می‌باشد. از سوی، نرخ حق بیمه برای بنگاه‌ها کارکرد هزینه‌ای داشته و موجبات افزایش هزینه‌های نیروی کار و در نتیجه، کاهش سودآوری بنگاه را فراهم می‌سازد و از طرفی، به واسطه دستیابی بنگاه‌ها به سرمایه انسانی به سبب بهره‌مند نمودن نیروی کار از مزایای بیمه‌های اجتماعی، نهایتاً طرف تقاضای بازار کار نیز طرف دیگر قرارداد و تفاهم‌نامه مورد نظر در بیمه‌های اجتماعی گردیدند. (طوسی و کاشانی، ۱۳۹۶). در خصوص بررسی آثار نرخ حق بیمه بر کارفرمایان و در نتیجه بر تقاضای نیروی کار، دو رویکرد کلی وجود دارد. از طرفی، کارفرمایان و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی، پرداخت هزینه حق بیمه بر دستمزد و مزایای نیروی انسانی را موجب افزایش هزینه‌های غیردستمزدی نیروی کار تلقی می‌نمایند که نهایتاً منجر به کاهش سودآوری بنگاه می‌گردد و در مواردی؛ این‌گونه افزایش هزینه‌های نیروی کار از طریق تشویق کارفرمایان به استفاده از روش‌های سرمایه‌بر به جای استفاده از روش‌های کاربر منجر به کاهش تقاضای نیروی کار توسط بنگاه می‌گردد. بیمه‌های اجتماعی و نرخ حق بیمه، نوعی سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها بر نیروی انسانی قلمداد می‌شوند به طوری که نباید انجام این‌گونه مصارف را برای ارتقاء منابع انسانی و ایجاد عرق و همگرایی در نیروی کار هزینه تلقی نمود؛ بلکه این مصارف نوعی سرمایه‌گذاری جهت بهره‌ور نمودن این مهم‌ترین عامل تولید در فرآیند تولید و سودآوری می‌باشد (Bazyar et al, 2019). بیمه‌های اجتماعی یکی از متغیرهای منزلت‌بخشی به نیروی کار، ارتقاء اجتماعی وی و مؤثر در تبدیل نمودن نیروی کار از بازاری انسانی به سرمایه انسانی می‌باشد. تغییر رویکرد از نیروی انسانی به سرمایه انسانی و ارتقاء قابلیت‌های وی می‌تواند تولید کالا و خدمات را با ارزش افزوده بالاتر نصیب بنگاه سازد. در واقع، برای ایجاد شرایط مناسب در بازار کار و برای اینکه نیروی کار به نحو هر چه مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرد، لازم است به تأمین اجتماعی و برخورداری نیروی کار از آن توجهی ویژه

به غیر، آرامش روانی افراد را تأمین و امنیت اجتماعی را ارتقاء می‌دهد (شاه‌آبادی، احمدی و مرادی، ۱۳۹۶).

پیشینه پژوهش

بهمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «سالمندی جمعیت و اصلاح نظام بازنشستگی با تغییر نرخ حق بیمه بازنشستگی»، به بررسی آثار سالمندی جمعیت و تغییر نرخ حق بیمه نظام بازنشستگی بر روی متغیرهای کلان اقتصادی پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان دادند که سالمندی منجر به کاهش نرخ بهره (۴ درصد)، افزایش تقاضا برای نیروی کار و کاهش بیکاری (۳ درصد) در بازار نیروی کار ناقص می‌شود. همچنین، منجر به افزایش هزینه نظام بازنشستگی (۷ درصد) به صورت درصدی از GDP خواهد شد. با انجام اصلاح پارامتری افزایش نرخ حق بیمه نظام بازنشستگی هزینه این نظام به میزان ۲/۵ درصد کاهش یافته، اما جوانان باید حق بیمه بیشتری نسبت به سالمندان در زمان اشتغالشان پرداخت نمایند و عدالت بین نسلی به هم خواهد خورد. با کاهش نرخ حق بیمه نظام بازنشستگی در بلندمدت پس‌انداز (با کاهش ۵/۵ درصدی نرخ بهره نشان داده می‌شود)؛ و مصرف یک درصد افزایش می‌یابد که منجر به رعایت عدالت بین نسلی و رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد. ایزدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و تعیین سهم بازار دولتی و غیردولتی از حق بیمه تولیدی و پرداختی و پیش‌بینی این بازار مالی»، عنوان نمودند: «صنعت بیمه به عنوان یک مؤسسه مالی غیربانکی با ارائه خدمات و برقراری ارتباط منطقی بیشتر با سایر بخش‌های صنعتی، تولیدی، کشاورزی و خدماتی از راه گردآوری حق بیمه‌های اندک بیمه‌گذاران، گروه‌های مختلف اقتصادی و پرداخت به موقع خسارت می‌تواند ضمن ایجاد و تأمین سرمایه‌های خصوصی و عمومی با برقراری آسایش و امنیت خاطر نزد کارآفرینان، صاحبان حرفه، مشاغل جامعه در افزایش تولید، کاهش واردات از بازارهای جهانی و قطع وابستگی نقش مؤثری در توسعه اقتصادی ایفا نماید. شناسایی و بررسی بازار بیمه از نظر نقش سهم دولتی و غیردولتی به سبب سرمایه‌گذاری در آن بازار، می‌تواند اثر قابل توجهی بر ذخیره منابع مالی داشته باشد. از این‌رو، پیش‌بینی این

چارچوب‌های قانونی است که اجازه می‌دهد معاملات از طریق افزایش اعتبار انجام شود (Michael, 2018). بازارهای سهام با فراهم کردن راهی برای متنوع‌سازی سبد سهام به افراد و سرمایه‌گذاران، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را ارتقا می‌دهند. این بازارها از طریق ایجاد تنوع، بسیج و جمع‌آوری پس‌انداز از احزاب مختلف، به رشد اقتصادی دامن می‌زنند و آنها را به شرکت‌ها جهت استفاده بهینه می‌رسانند. بازارهای سهام نوظهور از راه دور با بازارهای جهانی سرمایه ادغام شده‌اند. در نتیجه، متغیرهای کلان اقتصادی محلی به جای عوامل ریسک جهانی، منبع اصلی تغییرات بازده سهام در این بازارها هستند. چندین متغیر کلان اقتصادی و مالی که بر بازار سهام تأثیر می‌گذارند با متغیرهایی مانند تولید ناخالص داخلی، سطح قیمت، نرخ تولید صنعتی، نرخ بهره، نرخ ارز، مانده حساب جاری، نرخ بیکاری، تراز مالی ثبت‌شده است (Frimpong, 2018). صنعت بیمه از طرق ذیل فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع را متأثر می‌نماید:

- تضمین سرمایه‌گذاری: بیمه نگرانی فعالان اقتصادی را از گزند خطرات احتمالی به حداقل رسانده و سرمایه آنان را در برابر بسیاری از خطرات و نه تمام آنها، محافظت می‌نماید.

- ایجاد اعتبار و توسعه مبادلاتی بین‌المللی: شرکت‌ها یا به طور مستقیم و به وسیله نوعی از بیمه، معروف به بیمه اعتبار و یا به صورت غیرمستقیم و با ایجاد اعتبار برای بیمه‌گذار نزد بستانکاران و افراد طرف معامله خارجی، موجب گسترش همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی می‌شود.

- توسعه سرمایه‌گذاری: دریافت حق بیمه قبل از پرداخت خسارت سبب انباشت وجوه فراوان نزد شرکت‌های بیمه‌شده و آنها را قادر می‌سازد تا در تأمین منابع مالی فعالیت‌های اقتصادی مشارکت نمایند و سرمایه‌گذاری را توسعه دهند.

- تأثیر بر موازنه ارزی: بیمه با اعطای اطمینان به بنگاه‌های اقتصادی و گسترش فعالیت‌های بین‌المللی و نیز فروش بیمه اتکایی موجب افزایش درآمدهای ارزی کشورها می‌شوند.

- آثار اجتماعی: بیمه با القای حس امنیت و بی‌نیازی

پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین شاخص‌های کیفیت سود با تورم و نرخ ارز در شرکت‌های بیمه» که باهدف بررسی تأثیر نرخ تورم و نرخ ارز بر کیفیت سود شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند، برای ارزیابی کیفیت سود از پایداری سود و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی سود استفاده کردند. دوره زمان مورد مطالعه سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بود و از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده کردند که نمونه انتخابی شامل ۶ شرکت بود. این تحقیق از دیدگاه هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از دیدگاه ماهیت و روش از جمله تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی محسوب می‌شود؛ همچنین از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات، تحقیقی پس‌رویدادی است که به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی، استنباطی و روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. فرضیه‌های این تحقیق در قالب روابط رگرسیونی مشخصی مدل بندی شده و پیش از آزمون این روابط رگرسیونی و تحلیل نتایج آنها، مفروضات بنیادی این روابط مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مدل براساس مدل بن هسین بائو تعیین شده است. نتایج به دست آمده نشان دادند که نرخ تورم می‌تواند تأثیر بسزایی بر کیفیت سود شرکت‌های بیمه عضو بورس داشته باشد؛ البته این نکته حائز اهمیت می‌باشد که نرخ تورم با تأثیرگذاری بر سه مفهوم پایداری سود، به موقع گزارش دادن سود و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی سود می‌تواند به مراتب اثرگذاری بیشتری بر کیفیت سود این شرکت‌ها داشته باشد. چن، بیتسما و ویجنبرگن^{۱۹} (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان «خطر غیرقابل انعطاف در برنامه‌های بازنشستگی»، عنوان نمودند که طرح‌های مستمری عموماً قصد حمایت از قدرت خرید شرکت‌کنندگان خود را دارند، اما وقتی به دلیل ناقص بودن نرخ تورم در بازار نمی‌توان به‌طور کامل پوشش داد، بنابراین نمی‌توان این کار را انجام داد. بدون یک قیمت بازاری برای تورم، ارزش یک قرارداد بازنشستگی بستگی به میل ریسک سرمایه‌گذار و مواجهه با خطر تورم دارد. ایشان برای مقابله با دو منبع ریسک تورمی یک چارچوب ارزشیابی را توسعه دادند: عدم وجود ابزاری برای پوشش ریسک قیمت مصرف‌کننده کلی و

بازار در تولید، پرداخت حق بیمه، کنترل و هدایت این منابع مالی به بخش‌های اقتصادی جهت سرمایه‌گذاری، طرح و اعمال سیاست‌های پولی و مالی جهت رسیدن به اهداف بلندمدت اقتصادی مؤثر است. نتایج حاکی از آن است که صنعت بیمه با جذب حق بیمه‌های دریافتی و به جریان انداختن منابع پولی جمع‌آوری شده به‌صورت کارا و با سرمایه‌گذاری این منابع، می‌تواند بستر مناسبی برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم آورد. راغفر و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تورم بر توانگری شرکت‌های بیمه در ایران پرداختند. ایشان نشان دادند که تورم، نسبت جاری و نسبت مالکانه بر توانگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارند؛ در حالی که ضریب خسارت، نسبت ذخایر بر توانگری مالی تأثیر منفی داشته‌اند. در پایان، ایشان پیشنهاد کردند که شرکت‌های بیمه طیف فعالیتشان را از شرکت‌های اهرمی به سمت شرکت‌های سرمایه‌ای سوق دهند؛ ذخایر را در بخش‌های دیگری به جز بدهی‌ها در ترانزنامه‌های شرکت‌های بیمه به حساب آورند؛ بازه‌ای معین را به عنوان بازه مطلوب برای نسبت جاری خود تعیین نمایند و گروهی از حق بیمه‌ها را متناسب با متوسط خسارات عاید شده تعیین نمایند. زاهدی و قلی‌زاده چنار (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین نرخ تورم با میزان حق بیمه تولید شده سرانه در استان‌های شمال غرب کشور»، سعی کردند با استفاده از داده‌ها (مقطعی-سری زمانی) در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲ و مدل پانل دیتا رابطه متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم با رشد صنعت بیمه به صورت منطقه‌ای (استانی) مورد بررسی قرار گیرد. برای تبیین رابطه بین نرخ تورم و رشد صنعت بیمه ابتدا آزمون پایایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از آزمون پدرونی، هم‌جمعی رابطه بلندمدت بین متغیرها مورد آزمون واقع شد. در ادامه کار با آزمون چاو مشخص شد که مدل از نوع تلفیقی با اثرات ثابت است. فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل نهایی به دست آمده از مدل مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین نرخ تورم با رشد حق بیمه تولید سرانه واقعی رابطه مثبت وجود دارد؛ ولی از لحاظ آماری نا معنادار است و مورد تأیید نمی‌باشد. مؤمنی و نظم‌جو (۱۳۹۴)، در

تفاوت‌های موجود در بسته‌های مصرفی خاص از گروهی از بسته‌های بزرگ اقتصادی. ایشان به این نتیجه رسیدند که عدم وجود ابزارهای مالی برای پوشش ریسک تورم ممکن است رفاه مادام‌العمر را تا ۶٪ قطعیت- مصرف معادل را به گونه‌ای کاهش دهد که معمولاً در درجه بالاتری از بیزاری ریسک فرض می‌شود. معضلی که نهادهای نظارتی با آن روبه‌رو هستند این است که جوانان (کارگران) و بازنشستگان ظرفیت‌های مختلفی برای پذیرش خسارات ناشی از ریسک تورم غیرقابل‌کنترل دارند و در نتیجه تمایل ریسک متفاوتی دارند. ولنر و بوناتو (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «در صورتی که کارفرمایان با نرخ آسیب‌های شدید، نرخ هم‌تایان ایمن‌تر خود را به دست آورند، نرخ حق جبران خسارت کارگران کاهش می‌یابد»، به این نتیجه رسیدند که کاهش قابل‌توجهی در نرخ مطالبات جبران خسارت کارگران و کاهش هزینه‌های کارفرمایان در صورتی امکان‌پذیر است که کارفرمایانی که دارای نرخ آسیب‌های زیادی هستند به نرخ آسیب‌های هم‌تایان خود که ایمن‌تر هستند برسند. ایشان ادعا کردند که در این صورت، نرخ مطالبات بیش از ۴۳ درصد کاهش یافته و در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌شود. در نهایت ایشان عنوان نمودند که ارزیابی نرخ آسیب محل کار در بین کارفرمایان در گروه‌های صنعتی، فرصت‌های پیشگیری از آسیب را شناسایی کرده و روش دیگری برای تخصیص منابع ارائه می‌دهد. هم‌ریت و بنلاقا^{۲۰} (۲۰۱۹)، در پژوهشی که باهدف بررسی «تأثیر حق بیمه بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی» در عربستان سعودی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که روابط بین حق بیمه و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به صورت یک رفتار غیرخطی است. به عبارت دیگر، حق بیمه از طریق شوک‌های مثبت و منفی منجر به افزایش رشد در بخش غیرنفتی در بلندمدت می‌شود، در حالی که شوک‌های سطح تأخیری تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در کوتاه‌مدت دارند. علاوه بر این، بررسی اثر چند برابری^{۲۱} نشان می‌دهد که تغییرات تجمعی مثبت در حق بیمه و تورم می‌تواند تغییرات بسیار بزرگ‌تری در تولید ناخالص داخلی غیرنفتی ایجاد کند، در حالی که شوک‌های هزینه‌های دولت تأثیر متقارنی بر رشد تولید

ناخالص داخلی غیرنفتی دارد. شریف و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تورم و تأمین مالی بیمه بازرگانی در زمینه درمان»، نشان دادند که تورم تأثیر بسیار منفی بر سیستم تأمین مالی ایران داشته است. به طور خاص، تورم صنعت بیمه درمانی کشور را به طور جدی تهدید کرده است. بررسی روند شاخص بازده در بیمه بازرگانی در زمینه درمان، وضعیت نامطلوب آن در سال‌های مطالعه را نشان داد. با این حال، تقاضا برای این بسته‌های بیمه نیز در حال افزایش است. ویتا فرزاگیا (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بیمه عمر- به تولید ناخالص داخلی تحت خطر تورم: مقایسه اندونزی و فیلیپین»، رشد حق بیمه عمر در تولید ناخالص داخلی (GDP^{۲۲}) تحت ریسک تورم را مورد بررسی قرار دادند و این رشد را برای اندونزی و فیلیپین با استفاده از حق بیمه‌های عمر به تولید ناخالص داخلی و تورم از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ مقایسه می‌کند. براساس نمودارهای سری زمانی، حق بیمه عمر در تولید ناخالص داخلی اندونزی کمتر از فیلیپین است، اگر چه این در طول ۲۵ سال گذشته نوسان داشته است. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که تورم بر حق بیمه عمر تأثیر منفی دارد. افزایش تورم در فیلیپین به طور قابل توجهی ارزش حق بیمه عمر در تولید ناخالص داخلی را کاهش داد. همچنین، به این نتیجه رسیدند که میزان نفوذ بیمه در اندونزی در مقایسه با فیلیپین نسبتاً کم است. فریمپنگ^{۲۳} (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای به دنبال بررسی تأثیر نرخ تورم و نرخ بهره بر عملکرد سهام در غنا در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ بودند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که نرخ بهره تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سهام دارد. همچنین، تأثیر منفی و معنادار تورم بر عملکرد سهام مشاهده می‌شود. از طرفی، تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی بر عملکرد سهام که از نظر آماری نیز ناچیز است، اثبات شد. علاوه بر این، نرخ ارز تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سهام نشان داد. در نهایت، در طی ده سال، نرخ بهره و عملکرد سهام رابطه مثبت داشتند در حالی که نرخ تورم و عملکرد سهام رابطه منفی داشتند. ایشان پیشنهاد کردند که بانک مرکزی باید تلاش کند نرخ بهره، نرخ ارز و نرخ تورم را در سطوح پایین حفظ کند تا عملکرد سهام بهبود

در این مدل $Cogs_{it}$ بهای تمام شده کالا و خدمات، $Ratepr_{it}$ سهم بیمه کارفرما، $othersignals_{ij,t}$ برداری شامل متغیرهای کنترلی که در مدل اول پژوهش مطرح شد، می‌باشد.

پژوهش حاضر از حیث نوع تحقیق؛ همبستگی از نوع مقطعی بوده و از حیث هدف کاربردی محسوب می‌شود. از لحاظ نوع داده، اسنادی و از لحاظ زمان اجرا، پس رویدادی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل ۶۶۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره شش‌ساله از ابتدای ۱۳۹۲ تا پایان ۱۳۹۸ بود که تعداد ۱۱۱ شرکت به روش حذف سیستماتیک، به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه آماری به روش حذفی، با در نظر گرفتن قلمرو مکانی و زمانی پژوهش براساس شش شرط انتخاب شده‌اند: ۱- شرکت‌ها تا ابتدای سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ۲- صورت‌های مالی آنها برای هر یک از سال‌ها ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۷ در دسترس باشد. ۳- از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مالی و بانکی نباشند. ۴- سال مالی این شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند ماه هر سال بوده و طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد. ۵- اطلاعات موردنیاز برای محاسبه متغیرهای این پژوهش در سال‌های مورد بررسی وجود داشته باشد. ۶- دوره مورد مطالعه از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ باشد. اطلاعات موردنیاز در پژوهش حاضر به روش‌های کتابخانه‌ای و اسناد کاوی از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین، کدال، تدبیرپرداز جمع‌آوری شده است. نظر به اینکه داده‌های تحقیق حاضر از نوع داده‌های ترکیبی (تلفیقی یا پانل) می‌باشد، برای برازش الگو و آزمون فرضیه‌ها، از رهیافت داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) استفاده گردیده است. همچنین، برای معناداری مدل رگرسیونی از آماره فیشر (F) در سطح ۹۵ درصد استفاده شده است؛ و در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های ترکیبی و آزمون هاسمن با استفاده از نرم‌افزار ایویوز انجام شده است.

یافته‌های مدل اول پژوهش

یابد. لیو و جین^{۲۴} (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «سهم کارفرما و رشد حق بیمه درمانی»، به مطالعه این مورد پرداختند که آیا طرح‌های حق بیمه کارفرما می‌تواند بر رفتار قیمت‌گذاری برنامه‌های درمانی تأثیرگذار باشد و به افزایش حق بیمه کمک کند. ایشان با استفاده از داده‌های قبل و بعد از تغییر سیاست هدفمندی یارانه‌ها در برنامه مزایای درمان کارمندان فدرال (FEHBP^{۲۵})، متوجه شدند که طرح حق بیمه کارفرما، بر مبنای دو محرک بازار، تأثیر متفاوتی بر قیمت‌گذاری برنامه‌های درمان دارد: ۱- مصرف‌کنندگان هنگامی که فقط به پرداخت بخشی از افزایش حق بیمه نیاز دارند، حساسیت کمتری به قیمت دارند ۲- هر برنامه درمانی، انگیزه‌ای برای افزایش سهم بیمه کارفرما در آن طرح را دارد؛ بنابراین، مشخص شده است که هر دو محرک در رشد حق بیمه نقش دارند. ایشان عنوان نمودند که اگر هدفمندی یارانه‌ها در FEHBP اتفاق نیفتاده بود، دولت فدرال ۱۵ درصد در سال صرفه‌جویی می‌کرد.

تصریح مدل و روش پژوهش

در این پژوهش با در نظر گرفتن مبانی نظری و مرور بر مطالعات پیشین، مدل‌های تحقیق برگرفته از مدل‌های مندرج در مطالعات ویتا فرزاگیا (۲۰۱۸) و شریف و همکاران (۲۰۱۸) به صورت زیر ارائه شده است:

مدل اول پژوهش: بین سهم بیمه کارفرما و نرخ تورم ارتباط معناداری وجود دارد.

$$\text{inflation Rate}_{it} = a + \quad (1)$$

$$\beta_1 \text{ratepr}_{it} + \beta_2 \text{COEPS}_{it} + \sum_{j=1}^{10} \gamma_{ij} \text{othersignals}_{ij,t} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل $\text{inflation Rate}_{it}$ نرخ تورم، ratepr_{it} سهم بیمه کارفرما، COEPS_{it} سود عملیاتی هر سهم و $\text{othersignals}_{ij,t}$ برداری از متغیرهای کنترلی شامل اهرم مالی (LEV)، سود عملیاتی (EARN)، اندازه شرکت (SIZE)، تغییرات فروش شرکت (SALE)، کیوتوبین (TOBIN) می‌باشد.

مدل دوم پژوهش: بین سهم بیمه کارفرما و بهای

تمام شده کالا و خدمات ارتباط معناداری وجود دارد.

$$Cogs_{it} = a + \beta_1 \text{Ratepr}_{it} + \quad (2)$$

$$\beta_2 \text{Coeps}_{it} + \sum_{j=1}^{10} \gamma_{ij} \text{othersignals}_{ij,t} + \varepsilon_{i,t}$$

هم جمعی و بدون نگرانی از تخمین رگرسیون کاذب، به برآورد الگوهای تحقیق پرداخته شده است. در تخمین‌های تک‌معادله‌ای، برای اخذ تصمیم درباره اینکه آیا نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام (تلفیقی) کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود از آماره آزمون (F) لیمر استفاده می‌شود. براساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت، درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود. جدول شماره (۲) نتایج آزمون چاو (آماره F) در مورد مدل اول تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۲- نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب روش تلفیقی یا ترکیبی

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آماره F	درجه آزادی	سطح احتمال	نتیجه آزمون
اول	اثرات خاص شرکت معنی‌دار نیستند (روش تلفیقی مناسب است)	۱,۹۶۸۸۲۴	۱۱۰	۰/۰۰۰	H ₀ رد می‌شود

آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی
نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

جدول ۳- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آماره χ^2	درجه آزادی	سطح احتمال	نتیجه آزمون
اول	روش اثرات تصادفی مناسب است	۲۱۶/۵۷۰۶۰۳	۷	۰/۰۰۰	H ₀ رد می‌شود (روش اثرات ثابت مناسب است)

در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان- کوک و ویسبرگ استفاده شده است.

قبل از برآورد الگو، بایستی آزمون پایایی و همجمعی متغیرها مورد بررسی قرار بگیرد. در صورت پایا نبودن تمامی متغیرهای تحقیق، ممکن است تخمین مدل باعث ایجاد رگرسیون کاذب شود؛ بنابراین برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب بایستی از آزمون هم‌انباشتگی (همجمعی) استفاده کرد. مفهوم هم‌انباشتگی تعدادی کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند (نوفرستی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین در صورت ناپایایی متغیرهای مدل اگر بین آنها رابطه هم‌انباشتگی برقرار باشد، نتایج حاصل از تخمین مدل قابل‌اعتماد خواهد بود. بر این اساس در این پژوهش به منظور بررسی پایایی متغیرها از آزمون ریشه واحد ایم، پسران و شین (IPS^{۲۶}) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد تمامی متغیرهای تحقیق در سطح، پایا هستند؛ بنابراین بدون نیاز به آزمون

همان‌گونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، احتمال آماره در این مدل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. در نتیجه، باید از روش داده‌های ترکیبی استفاده نمود. از این‌رو، بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

نتایج جدول شماره (۳) بیانگر آن است که احتمال آماره برای مدل اول کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، روش اثر ثابت پذیرفته می‌شود.

آزمون ناهمسانی واریانس

جدول ۴- نتایج آزمون بروش پاگان- کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	سطح احتمال	نتیجه آزمون
اول	واریانس‌ها همسان‌اند	۱۱/۶۰۸۱۲	۰/۰۰۰	H ₀ رد می‌شود (ناهمسانی واریانس وجود دارد)

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره (۴) آورده شده است، در مدل اول رگرسیون پژوهش، مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد (زیرا احتمال یا سطح احتمال محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است)؛ بنابراین، تخمین نهایی مدل با استفاده از آزمون GLS

تعدیل شده صورت می‌گیرد تا فرض همسانی واریانس‌ها در تحلیل رگرسیون برقرار بماند و مشکل ناهمسانی واریانس‌ها به این ترتیب حل شود. نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش به شرح جدول (۴) می‌باشد.

جدول ۵- برآورد مدل اول پژوهش رابطه بین نرخ بیمه سهم کارفرما و نرخ تورم (یافته‌های پژوهش)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح احتمال	عامل تورم واریانس VIF
C	-۱۳۵/۹۸۳۶	۱۰/۷۷۶۷۴	-۱۲/۶۱۸۲۵	۰/۰۰۰۰	
سهم بیمه کارفرما (PR)	۴/۷۴۹۰۷۷	۱/۶۱۲۲۱۷	۲/۹۴۵۶۸۱	۰/۰۰۳۴	۲/۸۴۳۲۰۰
سود عملیاتی هر سهم (COETS)	۰/۹۸۲۳۴۳	۳/۴۸۱۳۸۳	۰/۲۸۲۱۷۰	۰/۷۷۷۹	۲/۳۴۳۷۸۵
اهرم مالی (LEV)	۵/۹۳۸۲۵۸	۱/۷۹۷۸۶۷	۳/۳۰۲۹۴۶	۰/۰۰۱۰	۱/۳۵۴۳۵۳
سود عملیاتی (EARN)	۱۴/۷۸۰۶۵	۳/۶۵۱۲۳۴	۴/۰۴۸۱۲۶	۰/۰۰۰۱	۱/۹۵۲۹۰۹
اندازه شرکت (SIZE)	۸/۴۶۹۱۰۷	۰/۸۳۴۹۳۶	۱۰/۱۴۳۴۲	۰/۰۰۰۰	۳/۰۳۰۱۰۰
تغییرات فروش شرکت (SALE)	۲/۷۰۷۵۸۹	۰/۶۴۱۱۳۰	۴/۲۲۳۱۵۵	۰/۰۰۰۰	۱/۶۴۴۸۶۹
کیو توبین (TOBINS Q)	۳/۳۸۵۹۷۶	۰/۱۸۱۱۷۷	۱۸/۶۸۸۷۹	۰/۰۰۰۰	۱/۲۵۵۷۲۰
آماره F فیشر (سطح معنی‌داری)	۱۱/۰۵۳۴۷ ۰/۰۰۰۰۰	آماره دوربین واتسن		۱/۴۹۹۲۴۷	
ضریب تعیین	۰/۷۰۲۳۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۳۸۸۳۳	

با توجه به ستون آخر جدول شماره (۵)، مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ می‌باشد؛ بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد؛ بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد. همچنین، برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. باتوجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰،۰۰۰۰۰)، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. مطابق نتایج حاصل

از جدول شماره (۱)، متغیرهای کنترلی اهرم مالی، سود عملیاتی، اندازه شرکت، تغییرات فروش شرکت، کیوتوبین در سطح اطمینان ۹۹٪ نشان دادند که بین سهم بیمه کارفرما و نرخ تورم رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و این رابطه از نظر آماری معنادار می‌باشد؛ زیرا میزان سطح احتمال محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، کمتر از ۱٪ به دست آمده است. در نهایت، طبق ضریب برآوردی سود عملیاتی هر سهم بین سهم بیمه کارفرما و

نرخ تورم رابطه مثبت وجود داشت، ولی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست بنابراین، بین سهم بیمه کارفرما و نرخ تورم در سطح اطمینان ۹۰٪ رابطه معنادار وجود ندارد.
یافته‌های مدل دوم پژوهش.

جدول ۶- نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب روش تلفیقی یا ترکیبی

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آماره F	درجه آزادی	سطح احتمال	نتیجه آزمون
اول	اثرات خاص شرکت معنی‌دار نیستند (روش تلفیقی مناسب است)	۲۸/۱۳۶	۱۱۰	۰/۰۰۰	H ₀ رد می‌شود

نتایج جدول شماره (۷) بیانگر آن است که احتمال آماره برای مدل دوم کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، روش اثر ثابت پذیرفته می‌شود.

آزمون ناهمسانی واریانس

جدول ۸- نتایج آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	سطح احتمال	نتیجه آزمون
اول	واریانس‌ها همسان‌اند	۵/۸۷۳	۰/۰۰۰	H ₀ رد می‌شود (ناهمسانی واریانس وجود دارد)

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره (۸) آورده شده است، در مدل اول رگرسیون پژوهش، مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد (زیرا سطح احتمال محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است)؛ بنابراین، تخمین نهایی مدل با استفاده از آزمون GLS تعدیل شده صورت می‌گیرد تا فرض همسانی واریانس‌ها در تحلیل رگرسیون برقرار بماند و مشکل ناهمسانی واریانس‌ها به این ترتیب حل شود. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش به شرح جدول شماره (۹) می‌باشد:

جدول ۹- رابطه بین سهم بیمه کارفرما و بهای تمام شده کالا و خدمات (یافته‌های پژوهش)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)	عامل تورم واریانس (VIF)
C	۲/۷۷۱۹۷۵	۰/۲۲۱۶۳۲	۱۲/۵۰۷۱۱	۰/۰۰۰۰	
سهم بیمه کارفرما (PR)	۰/۱۷۷۹۷۳	۰/۰۳۵۰۱۸	۵/۰۸۲۲۶۱	۰/۰۰۰۰	۲/۸۴۳۲۰۰
سود عملیاتی هر سهم (COETS)	۰/۰۱۱۶۲۴	۰/۰۷۹۳۵۷	۰/۱۴۶۴۷۴	۰/۸۸۳۶	۲/۳۴۳۷۸۵
اهرم مالی (LEV)	-۰/۰۲۹۷۱۰	۰/۰۳۸۴۰۶	-۰/۷۷۳۵۷۵	۰/۴۳۹۵	۱/۳۵۴۳۵۳
سود عملیاتی (EARN)	۰/۰۹۰۳۸۷	۰/۰۶۹۴۸۹	۱/۳۰۰۷۵۱	۰/۱۹۳۹	۱/۹۵۲۹۰۹
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۱۸۳۰۳۳	۰/۰۱۸۳۴۶	-۹/۹۷۶۵۵۳	۰/۰۰۰۰	۳/۰۳۰۱۰۰
تغییرات فروش شرکت (SALE)	۰/۰۹۹۴۵۹	۰/۰۱۷۸۴۴	۵/۵۷۳۶۷۳	۰/۰۰۰۰	۱/۶۴۴۸۶۹
کیو توپین	۰/۰۵۵۳۹۶	۰/۰۰۴۷۵۱	۱۱/۶۶۰۶۴	۰/۰۰۰۰	۱/۲۵۵۷۲۰

(Tobins Q)					
۳۲/۹۵۳۹۶ ۰/۰۰۰۰۰	آماره F فیشر (سطح معنی داری)	۱/۷۴۰۵۹۴	آماره دوربین واتسن	۳۲/۹۵۳۹۶ ۰/۰۰۰۰۰	آماره F فیشر (سطح معنی داری)
۰/۸۷۵۵۵۷	ضریب تعیین	۰/۸۴۸۹۸۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۷۵۵۵۷	ضریب تعیین

تأثیرات تورم در امان بماند؛ لذا افزایش تورم سبب کاهش قدرت خرید، کاهش تقاضا و نیز کاهش حق بیمه‌های دریافتی و در نتیجه کاهش توانگری مالی شرکت بیمه می‌گردد. همانطور که در مطالعات مختلف تأیید شده، تورم بر تمام ابعاد و فعالیت‌های صنعت بیمه تأثیرات قابل توجهی می‌گذارد که این تأثیرات می‌تواند شامل بخش‌های عملیاتی، منابع انسانی، سرمایه‌گذاری و غیره باشد. متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم نقش اساسی و کلیدی را در رشد صنعت بیمه در کشور دارد. چون صنعت بیمه به عنوان یک نهاد مالی می‌تواند بسترساز رشد اقتصادی باشد. در کشورهای در حال توسعه با سطح درآمد سرانه پایین و به ویژه در شرایط سخت اقتصادی و تورمی شدید، قدرت پس‌انداز و تجهیز ابزارها و نهادهای مالی به شدت پایین است. در این حالت، شرکت‌ها توانایی پایینی دارند تا نیروهای کار خود را در قبال مخاطرات گوناگون بیمه نمایند (Ehiogu and Eze, 2018). بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط نرخ حق بیمه کارفرما با نرخ تورم و بهای تمام شده کالا و خدمات می‌باشد. در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه معنادار بین نرخ حق بیمه و نرخ تورم پرداخته شده است. با توجه به نتایج بررسی تحلیل آماری، وجود این تفاوت مورد تأیید قرار گرفته است. علت این موضوع نیز محتمل و قابل پذیرش است. براساس بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به ساختارهای موجود در صنایع و شرکت‌ها، با توجه به نیاز هر صنعت به نیروی کار، سهم بیمه کارفرما نیز برای شرکت‌ها متفاوت خواهد بود. در شرکت‌هایی که نیروی انسانی کمتری دارند، نرخ بیمه کمتری پرداخت خواهند کرد و در شرکت‌هایی که نیروی انسانی بیشتری دارند، نرخ بیمه بیشتری پرداخت می‌کنند. در واقع، بالا بودن سهم بیمه کارفرما در صنایع مختلف باعث تحمیل هزینه به صنایع شده که این

با توجه به ستون آخر جدول شماره (۹)، مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ می‌باشد؛ بنابراین بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد؛ بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد. همچنین، برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰,۰۰۰۰۰)، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. مطابق نتایج حاصل از جدول شماره (۲)، متغیرهای سهم بیمه کارفرما (در سطح اطمینان ۹۹٪)، تغییرات فروش شرکت (در سطح اطمینان ۹۹٪)، کیوتوبین (در سطح اطمینان ۹۹٪) بین سهم بیمه کارفرما و بهای تمام شده کالا و خدمات رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ زیرا میزان سطح احتمال محاسبه شده برای ضریب این متغیرها، کمتر از ۱٪ بدست آمده است. همچنین، متغیرهای سود عملیاتی هر سهم (در سطح اطمینان ۹۰٪)، متغیر کنترلی سود عملیاتی (در سطح اطمینان ۹۰٪) نشان دادند بین سهم بیمه کارفرما و بهای تمام شده کالا و خدمات رابطه مثبت وجود دارد اما این رابطه معنادار نیست؛ زیرا میزان سطح احتمال محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، بیشتر از ۱۰٪ بدست آمده است. در نهایت، متغیر کنترلی اهرم مالی (در سطح اطمینان ۹۰٪) و متغیر کنترلی اندازه شرکت (در سطح اطمینان ۹۹٪) نشان دادند که بین سهم بیمه کارفرما و بهای تمام شده کالا و خدمات رابطه منفی وجود دارد و این رابطه از نظر آماری معنادار نیست زیرا میزان سطح احتمال محاسبه شده برای ضریب این متغیرها، بیشتر از ۱۰٪ به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تورم موجود در ایران، صنعت بیمه نیز به دلیل ارتباط با بخش‌های کلان اقتصادی نمی‌تواند از

هزینه‌ها به قیمت تمام شده کالا و خدمات انتقال پیدا می‌کند، که باعث بالا رفتن سطح قیمت‌ها در صنایع مختلف می‌شود و بر روی نرخ تورم اثرگذار است (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۶). در فرضیه دوم پژوهش به بررسی ارتباط بین نرخ بیمه حق کارفرما و بهای تمام شده کالا و خدمات در شرکت‌های مختلف پرداخته است. این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفته است به عبارت دیگر، نرخ بیمه دارای اثر مستقیمی بر بهای تمام شده کالا و خدمات داشته است. (Sadeghi et al, 2018). در صنایع متنوع، افزایش کاربرد ماشین‌آلات موجب کاهش شدید نیاز به منابع انسانی شده است، اما توجه به شرایط حال حاضر کشور و عدم به روزرسانی سیستم‌های مختلف تولیدی، نیاز به پرسنل هنوز پررنگ است. در نتیجه، وجود شرکت‌ها برای بهره بردن از نیروی انسانی ملزم به بیمه نیروی کار است که خود باعث بالا رفتن نرخ حق بیمه و در نتیجه اعمال قیمت تمام شده بیشتر برای کالا و خدمات می‌شود که این امر باعث افزایش نرخ تورم در کشور می‌شود (دهقان شبانی و همکاران، ۱۳۹۷). از این‌رو، لازم است مدیران شرکت‌ها با توجه به تأیید وجود ارتباط بین سهم بیمه کارفرما و نرخ تورم، تدابیر لازم در خصوص مدیریت منابع انسانی را در شرکت اتخاذ نمایند. همچنین، با توجه به نتایج تحقیق، می‌بایست سازمان تأمین اجتماعی سهم بیمه کارفرما را با توجه به شرایط تورمی و درآمد نیروی کار در نظر بگیرد تا هم از صنایع بابت جذب نیروی کار حمایت شود و بالا بودن سهم بیمه کارفرما باعث نشود که مدیران شرکت‌ها به سمت افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات سوق پیدا کنند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با مطالعات راغفر و همکاران (۱۳۹۷)، زاهدی و قلی‌زاده چنار (۱۳۹۵)، مؤمنی و نظم‌جو (۱۳۹۴)، شریف (۲۰۱۸)، فریمپنگ (۲۰۱۸) و لیو و جین (۲۰۱۵) همخوانی داشته و همراستا می‌باشد؛ اما با مطالعات ویتا فرزاگیا (۲۰۱۸) هم‌خوانی ندارد. این عدم هم‌خوانی می‌تواند به دلیل تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی دو کشور مختلف و ابزارهای اندازه‌گیری دو مطالعه بوده باشد. با توجه به نتایج حاصل از مطالعه حاضر، محقق موارد ذیل را پیشنهاد می‌کند:

۱- به دلیل وجود ارتباط بین نرخ حق بیمه و نرخ تورم،

به محققان پیشنهاد می‌شود ارتباط این موضوع با تغییرات سطوح دستمزدی طی سال‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. ۲- باتوجه به این موضوع که تغییرات حقوق و دستمزد به طبع آن تغییرات بهای تمام شده منوط به الزامات قانونی بوده است، پیشنهاد می‌شود اثرات به موقع بودن اخبار تغییرات حقوق و نرخ بیمه بر این رابطه نیز ارزیابی گردد. ۳- به تأمین اجتماعی پیشنهاد می‌شود باتوجه به نتایج تحقیق، نرخ حق بیمه را با توجه به شرایط تورمی و درآمد نیروی کار در نظر بگیرد تا هم از صنایع، بابت جذب نیروی کار حمایت شود و بالا بودن نرخ حق بیمه باعث نشود که مدیران شرکت‌ها به سمت افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات سوق پیدا کنند.

منابع

- افراسیابی، حسین؛ بهارلویی، مریم (۱۳۹۹). پیامدهای توری در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و یکم، شماره چهارم، پیاپی ۸۰.
- افضلی، حسین (۱۳۹۱). استقرار سیستم قیمت تمام شده با استفاده از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت در سازمان‌های دولتی، مجله اقتصادی- دو ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌ها ۹ و ۱۰.
- ایزدی، حمیدرضا (۱۳۹۷). بررسی و تعیین سهم بازار دولتی و غیردولتی از حق بیمه تولیدی و پرداختی و پیش‌بینی این بازار مالی، پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، سال بیست و پنجم، شماره ۱۵.
- بکتابش، فروزان؛ آذربایجانی، کریم؛ کیانی، غلامحسین؛ دائی کریم‌زاده، سعید (۱۳۹۹). محاسبه بهای تمام شده آب کشاورزی در شبکه‌های آبیاری با رویکرد روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC) (مطالعه موردی شبکه آبیاری دز ناحیه شمال خوزستان)، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۳۴، شماره ۱.
- بهمنی، مرضیه؛ راغفر، حسین؛ موسوی، میرحسین (۱۳۹۹). سالمندی جمعیت و اصلاح نظام بازنشستگی با تغییر نرخ حق بیمه بازنشستگی، نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و هشتم،

شماره ۹۳.

خالق‌پرست، حسین؛ راسخ، محمد؛ نعیمی، عمران (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی تأمین اجتماعی ایران در پرتو اصول و الگوهای نظام تأمین اجتماعی مطلوب، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۴. داودی، آزاده؛ هوشمند، محمود؛ ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۹۷). بررسی سیاست‌های حمایت از بیکاران در ایران با استفاده از روش‌های دلفی فازی و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۸۷.

دهقان شبانی، زهرا؛ صدرایی جواهری، احمد؛ شهریاری فهلیانی، مریم (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر تجمع فضایی فعالیت‌های صنعتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در صنایع شیمیایی و ماشین‌آلات استان‌های ایران، اقتصاد شهری، سال دوم، شماره ۱.

راغفر، حسین؛ صفرزاده، اسماعیل؛ غفور بروجردی، مریم (۱۳۹۷). تأثیر تورم بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه در ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۲.

رجبی، احمد (۱۳۹۰). هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC)، نگرشی نوین جهت محاسبه بهای تمام‌شده آموزش رشته‌های گروه پزشکی (مطالعه تطبیقی: دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز، فسا و یزد)، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۴.

زاهدی، کتایون؛ قلی‌زاده چنار، حیدر (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نرخ تورم با میزان حق بیمه تولیدشده سرانه در استان‌های شمال غرب کشور، اولین همایش ملی رویکردهای نوین در حسابداری و مدیریت، میانه. سپهردوست، حمید؛ اخوان، هانیه؛ قربان‌سرشت، مرتضی (۱۳۹۵)، «بررسی تقاضای بیمه زندگی، متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص‌های رفاهی به روش معادلات هم‌زمان - پانل (مطالعه موردی شرکت بیمه پارس‌یان)»، پژوهش‌های بیمه‌ای، دوره ۱، شماره ۲.

سیدزاده، میترا؛ مهدوی عادل، محمدحسین؛ بهنام، مهدی؛ ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۹۸). بررسی رابطه عملکرد بیمه با رشد اقتصادی ایران: با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستم، پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی

شماره ۱۸. دوره جدید، سال بیست و ششم، شماره ۱۸.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ احمدی، معصومه؛ مرادی، علی (۱۳۹۶). تأثیر متقابل توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه در کشورهای منتخب ناموفق در توسعه صنعت بیمه، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۳۱.

شهیکی تاش، محمدنبی؛ مولایی، صابر؛ حلاج‌زاده، زینب (۱۳۹۲). پیش‌بینی سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در ایران با استفاده از شبکه‌های عصبی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره چهارم.

طوسی، عباس؛ کاشانی، جواد (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی- اقتصادی حق بیمه‌های پیمانکاری‌ها؛ نقدی بر رویه سازمان تأمین اجتماعی و دیوان عدالت اداری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵. عظیمی، سیدرضا؛ میری‌طامه، اشرف‌السادات؛ تقی‌زاده، خدیجه؛ صمدی، رضا (۱۳۹۲). بررسی روند و علل تورم در ایران در سال‌های (۱۳۹۱=۱۳۸۹) و اقدامات صورت‌گرفته برای مهار آن، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۱.

علی‌نژاد، حسن؛ رضائیان، محسن؛ پاکزاد، حمید؛ صیادیان، سرور؛ عسکری، محمدجابر؛ علی‌نژاد، مهدی (۱۴۰۰). محاسبه قیمت تمام‌شده خدمات بهداشتی، درمانی بیماران مبتلا به بیماری کووید-۱۹ در بیمارستان علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) شهرستان رفسنجان در سال ۱۳۹۹ با تکنیک هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت: یک مطالعه توصیفی، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۲۰.

فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۷). ارزشیابی خدمات تأمین اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: بیمه حوادث حین کار)، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال چهاردهم، شماره اول.

قزلباش، اعظم؛ لطفی، عباسعلی؛ محتشمی، مینا؛ کوچک‌زاده، میثم (۱۳۹۸). بررسی کارایی شرکت‌های بیمه از منظر ابعاد انسانی، فنی و مالی جهت توانمندسازی صنعت بیمه، پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی دوره جدید، سال بیست و ششم، شماره ۱۸.

محمدپور، لقمان؛ نوری، آزاد (۱۳۹۹). تأثیر رشد غیر عادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام در

The European Journal of Finance, 26(11).

Ehiogu, C. P and Eze, O. R (2018). Effect of inflation rate on insurance penetration of Nigerian insurance industry, *International Research Journal of Finance and Economics*, 170(1).

Frimpong, Eric (2018). Investigating the effect of inflation rate and interest rate on stock performance in Ghana (2008-2017), Dissertation submitted to the Department of Accounting and Finance, of the School of Business, Christian Service University College, June 2018.

Gaganis, Chrysovalantis. Hasan, Iftekhar. Papadimitri, Panagiota. Tasiou, Menelaos. (2019). National culture and risk-taking: Evidence from the insurance industry, *Journal of Business Research* 97 (2019).

Gidey, M. T, Gebretekle, G. B, Hogan, M. E and Fenta, T. G (2019). Willingness to pay for social health insurance and its determinants among public servants in Mekelle City, Northern Ethiopia: a mixed methods study, *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 17(1).

Gupta, S, Montenegro, L, Nguyen, T. D, Lozano-Rojas, F, Schmutte, I. M, Simon, K. I and Wing, C (2020). Effects of social distancing policy on labor market outcomes, NBER Working paper, (w27280).

Hemrit, Wael. Benlagha, Noureddine (2019). Asymmetric impacts of insurance premiums on the non-oil GDP: some new empirical evidence, Volume 52. <https://doi.org/10.1080/00036846.2019.1673300>.

Liu, Yiyang. Jin, Ginger Zhe (2015). Employer contribution and premium growth in health insurance, *Journal of Health Economics*, Volume 39, January 2015.

Michael, Ade tweneboah (2018). The impact of inflation rate and interest rate on financial sector development in Ghana; time series approach, Master Thesis,

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی کارافن، دوره ۱۷، شماره ۳.

مسعودیان، علیرضا؛ جعفری صمیمی، احمد؛ عرفانی، علیرضا؛ ابونوری، اسمعیل (۱۳۹۸). تحلیلی بر محاسبه قیمت تمام‌شده پول در بانک‌های ایران (مطالعه موردی شعب بانک سپه استان سمنان)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال سیزدهم، شماره ۴۷.

مؤمنی، علیرضا؛ نظم‌جو، مائده (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین شاخص‌های کیفیت سود با تورم و نرخ ارز در شرکت‌های بیمه، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱، تهران.

نوفروستی، محمد (۱۳۹۱). ریشه واحد همجمعی در اقتصادسنجی. تهران. موسسه خدمات فرهنگی رسا.

هرورانی، حسین؛ عربی، سیدهدادی (۱۳۹۸). ارزیابی قوانین، مقررات و اصول قیمت‌گذاری نهادهای قیمت‌گذار در ایران، دوفصلنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.

Abdurehman, A. A and Hacilar, S (2016). The relationship between exchange rate and inflation: An empirical study of Turkey. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6 (4).

Bazyar, M, Rashidian, A, Sakha, M. A, Doshmangir, L, Rahimi, N, Ranjbar, M and Olyaeemanesh, A (2019). Stakeholders analysis of merging social health insurance funds in Iran: what kind of interests they may gain or lose?" *The International journal of health planning and management*, 34(1).

Chen, D.H.J. Beetsma, R.M.W.J. Wijnbergen, S.J.G. van. (2020). Unhedgeable Inflation Risk within Pension Schemes, *Insurance: Mathematics and Economics*, Volume 90, January 2020.

Cruz-García, P and Fernandez de Guevara, J (2020). Determinants of net interest margin: the effect of capital requirements and deposit insurance scheme,

Life Insurance Industry Agent's Attrition: A Game Changer for Insurance Business, *Global Business Review* 1–14.

Sadeghi, Z, Mohammad Shirazi, H, and Shakibae, A (2018). An Analysis of the Effect of Subsidy Reform Induced "Energy Price" Risk on the Budget of Urban Households in Iran, *Urban Economics*.

Sharif, Moslem. Hojabri, Rouzbeh. Saidpour, Jalal. Rahimpour Langroudi, Hamed (2018). Inflation and Financing of Commercial Insurance in the Field of Treatment, Evidence Based Health Policy, Management & Economics Health Policy Research Center, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, EBHPME 2018.

Vita Ferezagia, Debrina (2018). Dynamic Life Insurance Premium-to-GDP Under Inflation Risk: Comparing Indonesia and the Philippines, 3rd International Conference on Vocational Higher Education, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, volume 426.

Accounting and Finance, School of Business Christian Service University College, June 2018.

Mieno, T, Walters, C. G and Fulginiti, L. E (2018). "Input use under crop insurance: the role of actual production history, *American Journal of Agricultural Economics*, 100(5).

Okeke, Daniel Chukwudi. Orga, Christopher Chukwudi (2020). Managerial perspective of the impact of exchange rate and inflation rate fluctuation the growth of insurance business in Nigeria, 1986-2016, *Advance Journal of Management, Accounting and Finance*, Volume: 5; Issue: 02.

Palacios, R. J and Robalino, D. A (2020). Integrating Social Insurance and Social Assistance Programs for the Future World of Labor, IZA Discussion Papers 13258, Institute of Labor Economics (IZA), No. 13258.

Papis-Almansa, M (2017). VAT and insurance: the European union. In *VAT and Financial Services*. Springer, Singapore.

Roy, Neha Chhabra. Roy, N. G (2020).

یادداشت

¹Zinn

²Covid-19

³quality of institutions

⁴regulations

⁵competition

⁶Cheechee and Herbeman

⁷foreign direct investment

⁸creeping inflation

⁹swift inflation

¹⁰Activity-Based Costing

¹¹Friedman

¹²King and Levine

¹³Rousseau and Watchel

¹⁴Levine et al

¹⁵Beck and Levine

¹⁶Apergis et al

¹⁷Kar et al

¹⁸Financial sector development

¹⁹Chen, Beetsma and Wijnbergen

²⁰Hemrit and Benlaghab

²¹the multiplier effect

²²gross domestic product

²³Frimpong

²⁴Liu and Jin

²⁵Federal Employees Health Benefits Program

²⁶Im, Pesaran and Shin